

# مائو تسه دون

## منتخب آثار

جلد سوم

اداره نشریات زبانهای خارجی

پکن ۱۹۷۱

پرولتارهای سراسر جهان متحد شوید !

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

چاپ اول ..... ۱۹۷۱

ترجمه فارسی جلد سوم « منتخب آثار مائو تسه دون »  
منطبق است با چاپ چینی جلد سوم « منتخب آثار مائو تسه  
دون » که از طرف اداره تشریحات « مردم » در مه سال ۱۹۵۳  
در پکن منتشر شده است . در یادداشتها بنا بر اقتضای چاپ  
زبان خارجی اصلاحاتی بعمل آمده است .

طبع و نشر جمهوری توده‌ای چین

# فهرست

## دوره جنگ مقاومت ضد ژاپنی (۲)

- ۱۱ مقدمه و مؤخره بر « تحقیقات در روستا » ( مارس و آوریل ۱۹۴۱ )  
مقدمه  
۱۱ مؤخره  
۱۵ آموزش خود را از نو بسازیم ( مه ۱۹۴۱ )  
۲۱ دمیسده مونیخ خاور دور را افشا کنیم ( ۲۵ مه ۱۹۴۱ )  
۳۵ در باره جبهه متحد بین‌المللی بر ضد فاشیسم ( ۲۳ ژوئن ۱۹۴۱ )  
۳۹ سخنرانی در مجلس نمایندگان منطقه مرزی شنسی - گان سو -  
نین سیا ( ۲۱ نوامبر ۱۹۴۱ )  
۴۱ سبک کار حزبی را اصلاح کنیم ( ۱ فوریه ۱۹۴۲ )  
۴۷ مبارزه علیه سبک انگوسازی در حزب ( ۸ فوریه ۱۹۴۲ )  
۷۳ سخنرانی‌ها در محفل ادبی و هنری بین ان ( مه ۱۹۴۲ )  
۹۹ پیشگفتار  
۹۹ نتیجه‌گیری  
۱۰۷ سیاستی که دارای اهمیت فوق‌العاده است ( ۷ سپتامبر ۱۹۴۲ )  
۱۴۹ نقطه عطف در جنگ دوم جهانی ( ۱۲ اکتبر ۱۹۴۲ )  
۱۵۵

بمناسبت بیست و پنجمین سالگرد انقلاب اکتبر

- ۱۶۵ ( ۶ نوامبر ۱۹۴۲ )
- ۱۶۷ مسایل اقتصادی و مالی در دوره مقاومت ضد ژاپنی ( دسامبر ۱۹۴۲ )
- ۱۷۷ در باره بعضی از مسایل مربوط به شیوه‌های رهبری ( ۱ ژوئن ۱۹۴۳ )
- ۱۸۷ پرسش‌هایی از گویندگان ( ۱۲ ژوئیه ۱۹۴۳ )
- جنبش برای تقلیل بهره‌مانکانه ، افزایش تولید ، "پشتیبانی از دولت و مهرورزی بخلق" را در پایگاهها گسترش دهیم
- ۱۹۹ ( ۱ اکتبر ۱۹۴۳ )
- تفسیر در باره یازدهمین پلنوم کمیته اجرائی مرکزی گویندگان و
- ۲۰۷ دومین جلسه سوبین شورای سیاسی ملی ( ۵ اکتبر ۱۹۴۳ )
- ۲۳۱ متشکل شوید ! ( ۲۹ نوامبر ۱۹۴۳ )
- ۲۴۵ بررسی ما و وضع حاضر ( ۱۲ آوریل ۱۹۴۴ )
- ۲۶۷ بخلق خدمت کنید ! ( ۸ سپتامبر ۱۹۴۴ )
- تفسیر در باره سخنرانی چانگ‌کایسک در جشن دو دهه
- ۲۷۱ ( ۱۱ اکتبر ۱۹۴۴ )
- ۲۷۹ جبهه متحد در کار فرهنگی ( ۳۰ اکتبر ۱۹۴۴ )
- ۲۸۳ باید کار اقتصادی را بیاموزیم ( ۱۰ ژانویه ۱۹۴۵ )
- ۲۹۵ تولید در مناطق پارتیزانی نیز ممکن است ( ۳۱ ژانویه ۱۹۴۵ )
- ۳۰۱ دو سرنوشت چین ( ۲۳ آوریل ۱۹۴۵ )
- ۳۰۷ در باره دولت ائتلافی ( ۲۴ آوریل ۱۹۴۵ )
- ۳۰۷ ۱ - خواسته‌های اساسی خلق چین
- ۳۰۹ ۲ - وضع بین‌المللی و داخلی
- ۳۱۲ ۳ - دو خط مشی در جنگ مقاومت ضد ژاپنی

- ۳۱۲ کلید مسائل چین
- ۳۱۴ تاریخ مسیر پرپیچ و خمی را میپیماید
- ۳۲۰ جنگ توده‌ای
- ۳۲۶ دو جبهه جنگ
- ۳۲۹ مناطق آزاد شده چین
- ۳۳۱ مناطق تحت نظارت گومیندان
- ۳۳۴ يك مقایسه
- چه کسی "در جنگ مقاومت تخریب میکند و کشور را به
- ۳۳۷ مخاطره میافکند" ؟
- ۳۳۸ "عدم اطاعت از فرامین دولتی و نظامی"
- ۳۴۰ خطر جنگ داخلی
- ۳۴۰ مذاکرات
- ۳۴۱ دو دورنما
- ۳۴۳ ۴ - سیاست حزب کمونیست چین
- ۳۴۵ برنامه عام ما
- ۳۵۵ برنامه خاص ما
- ۳۹۲ وظایف در مناطق گومیندان
- ۳۹۴ وظایف در مناطق اشغالی ژاپن
- ۳۹۶ وظایف در مناطق آزاد شده
- ۵ - تمام حزب باید متحد شود و برای انجام وظایف
- ۴۰۰ خویش مبارزه کند
- ۴۱۱ یوگون پیرمردی که کوه را از جا میکند ( ۱۱ ژوئن ۱۹۴۵ )
- در باره کار تولیدی ارتش برای رفع نیازمندیهای خود و در باره
- اهمیت جنبش‌های عظیم اصلاح سبک کار و کار تولیدی
- ۴۱۷ ( ۲۷ آوریل ۱۹۴۵ )
- ۴۲۵ هم‌آوازی هارلی و چانگ‌کیشک شکست خورد ( ۱۰ ژوئیه ۱۹۴۵ )
- ۴۳۱ خطر سیاست هارلی ( ۱۲ ژوئیه ۱۹۴۵ )

- 
- ۴۳۵      تلگراف به رفیق ویلیام فوستر ( ۲۹ ژوئیه ۱۹۴۵ )
- ۴۳۷      آخرین نبرد با تجاوزکاران ژاپنی ( ۹ اوت ۱۹۴۵ )



**دوره جنگ مقاومت ضد ژاپنی (۲)**

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

# مقدمه و مؤخره بر « تحقیقات در روستا »

( مارس و آوریل ۱۹۴۱ )

## مقدمه

( ۱۷ مارس ۱۹۴۱ )

سیاست کنونی حزب در روستا ، دیگر سیاست انقلاب ارضی نیست که حزب در جریان ده سال جنگ داخلی اتخاذ کرد ، بلکه سیاستی است برای تشکیل جبهه متحد ملی ضد ژاپنی . تمام حزب باید رهنمودهای ۷ ژوئیه و ۲۵ دسامبر . ۱۹۴۰ مصوب کمیته مرکزی (۱) و رهنمودهای هفتمین کنگره کشوری حزب را که بزودی تشکیل خواهد شد بموقع اجرا گذارد . اسناد حاضر باین منظور انتشار مییابد که به رفا در یافتن اسلوب مطالعه مسائل کمک کند . بسیاری از رفقای ما ، با آنکه در کار رهبری مسئولیتهائی بر عهده دارند کارشان نپخته و بی‌مبالات است . آنها در جستجوی آن نیستند که مسائل را عمیقاً دریابند و حتی ممکن است از آنچه که در واحدهای پائین میگذرد بکلی بی‌اطلاع باشند ؛ این وضع بسیار خطرناک است . بدون معرفت واقعاً کنکرت بوضع حقیقی طبقات جامعه چین ممکن نیست بتوان رهبری واقعاً سنجیده‌ای اعمال کرد .

یگانه راه معرفت به وضع اجتماعی پرداختن به تحقیقات اجتماعی

است ، پرداختن به تحقیق در وضع و موقعیت هر يك از طبقات اجتماعی در صحنه واقعی زندگی است . برای کسانی که کار رهبری بر عهده دارند اسلوب اساسی معرفت بوضع اجتماعی اینستکه بر طبق نقشه معینی کار خود را بر روی چند شهر و ده متمرکز سازند و سپس با پیروی از نظرات اساسی مارکسیسم یعنی اسلوب تحلیل طبقاتی ، تحقیقات دقیقی بعمل آورند . فقط بدین ترتیب ما میتوانیم حتی ابتدائیترین معلومات را نسبت به مسایل اجتماعی چین بدست آوریم .

برای انجام این کار اولاً نگاه خود را پائین بیندازید ، نه آنکه سر خود را بالا نگاه دارید و به آسمان نظاره کنید . تا کسی علاقه نشان ندهد و اراده نکند که نگاه خود را پائین بیندازد ، او در سراسر زندگی خود هرگز از اسور چین واقعاً چیزی نخواهد فهمید .

ثانیاً باید جلسات تحقیقاتی ترتیب داد . مسلماً با پرداختن نظری به این سوی یا آن سوی و گوش کردن به مسموعات معرفت کاملی نمیتواند بدست آید . از مدارکی که من از طریق جلسات تحقیقاتی بدست آوردم ، مدارك مربوط به استان خونان و منطقه کوهستان جین گان مفقود شده است . اسنادی که در اینجا انتشار مییابد بطور عمده عبارتست از « تحقیقات در سین گوه » ، « تحقیقات در دهستان چان گان » و « تحقیقات در دهستان تسای سی » . ترتیب جلسات تحقیقاتی سادهترین ، عملیترین و مطمئنترین اسلوب است و من از آن فایده بسیار بردم ، این سکتی است که از هر دانشگاهی بهتر است . کسانی که در چنین جلسات شرکت میکنند باید از کادرهای واقعاً آزروده ردیف متوسط و پائین و یا از مردمان عادی باشند . من در پنج شهرستان از استان خونان و دو شهرستان از منطقه کوهستان جین گان در تحقیقات

خود با کادرهای مسئولیت‌دار متوسط برخورد کردم ؛ در تحقیقات خود در سیون او با عده‌ای کادرهای متوسط و پائین ، با يك "سیوتسای" (۲) فقیر ، با رئیس سابق اطاق تجارت که کارش بورشکستگی کشیده بود و با يك مأمور جزء اداره مالیات شهرستان که شغل خود را از دست داده بود برخورد کردم . این افراد همه مقدار زیادی اطلاعات در اختیار من گذاردند ، چیزهایی که من هرگز نشنیده بودم . کسی که برای نخستین بار منظره کاملی از فساد زندانهای چین برای من ترسیم کرد زندانبان ساده‌ای بود که من در جریان تحقیقات خود در شهرستان جن شان از استان خونان به او برخورددم . در تحقیقات خود در شهرستان سین گوه و دهستانهای چان گان و تسای سی ، من با رفقائی که در مقیاس محل کار میکردند ، و با دهقانان عادی برخورد کردم . این کادرها ، دهقانان ، "سیوتسای" ، زندانبان ، تاجر و مأمور اداره مالیات ، آموزگاران ارجمند من بودند و من همچون شاگرد آنطور که باید ، به آنها احترام می‌گذاشتم ، در آموزش کوشا بودم و با آنان برخورد رفیقانه‌ای داشتم . در غیر اینصورت آنها به من توجه نمیکردند و تمام آنچه را که میدانستند با من در میان نمیگذاشتند یا اگر در میان میگذاشتند ، تمام آنچه را که میدانستند نمیگفتند . احتیاجی نیست که جلسه تحقیقاتی وسیع باشد ، از سه تا پنج یا هفت و یا هشت نفر کافی است ، از صرف وقت نباید مضایقه کرد ، باید يك برنامه برای تحقیقات آماده داشت ؛ بعلاوه باید شخصاً سئوالاتی را مطرح ساخت و پاسخ‌ها را یادداشت کرد ، با آنهایی که در جلسه شرکت دارند بمباحثه پرداخت . از اینرو چنانچه شور و شوق بخرج ندهیم و اراده نکنیم که نگاه خود را پائین بیندازیم و تشنه معرفت نباشیم ، چنانچه جامه زشت پرمدعائی را بدور نیندازیم و با رضا و رغبت بشاگردی

نرویم یقیناً نمیتوانیم به تحقیق پردازیم و یا تحقیق را بخوبی انجام بدهیم . باید توجه داشت که توده‌ها قهرمانان واقعی‌اند ، حال آنکه ما غالباً نادان و کودکیم . بدون درك این مطلب ممکن نیست حتی ابتدائی‌ترین معلومات را بدست آورد .

من تکرار میکنم که منظور عمده از انتشار این اسناد اینست که اسلوب شناختن وضع واحدهای پائین اجتماع را نشان دهد و نه آنکه این اسناد مشخص و نتیجه‌گیریهای آنها را به حافظه رفا بسپارد . بطور کلی ، بورژوازی چین که هنوز دوران کودکی خود را میپیماید نتوانسته است و هرگز نخواهد توانست معلومات نسبتاً کاملی و یا حتی ابتدائی‌ترین معلومات را در باره شرایط اجتماعی بدست دهد ، آنگونه که بورژوازی اروپا ، آمریکا و ژاپن بدست داده است ؛ بنابر این ما راه دیگری نداریم جز آنکه این معلومات را خودمان جمع‌آوری کنیم . بطور مشخص ، آنهایی که به کار عملی میپردازند باید پیوسته در جریان تغییر اوضاع و احوال باشند و این آن چیزی است که هیچ حزب کمونیستی در هیچ کشوری نمیتواند از دیگران کسب کند . بنابر این هر کس که به کار عملی میپردازد باید در وضع واحدهای پائین اجتماع تحقیق کند . چنین تحقیقی بویژه برای کسانی لازم است که به تئوری آشنائی دارند ولی وضع موجود را نمی‌شناسند ؛ در غیر اینصورت آنها نخواهند توانست تئوری را با پراتیک پیوند دهند . این گفته من که " تحقیق نکرده حق صحبت ندارد " بعنوان " امپیریسم کوتاه‌نظرانه " بمسخره گرفته شد ، اما من هنوز هم از این گفته خود پشیمان نیستم ؛ حتی هنوز هم اصرار دارم که بدون تحقیق نمیتوان حق صحبت داشت . مردمان بسیاری هستند که " از همان لحظه پیاده شدن از ارابه رسمی "

به نطق و خطابه میپردازند ، عقایدی ابراز میدارند ، از این انتقاد میکنند ، آن دیگر را محکوم میسازند ، اما در واقع از هر ده نفر آنها ده نفرشان با ناکامی روبرو میشوند . زیرا چنین نظرات و یا انتقاداتی که مبتنی بر تحقیقات جدی نباشد چیزی جز سخنان یهوده نیست . حزب ما از دست این " فرستادگان امپراطور " که به اینجا و آنجا ، به همه جا میشتافتند بدفعات بیشمار صدمه دیده است . استالین بدرستی میگوید :

" تئوری هر گاه با پراتیک انقلابی توأم نگردد ، چیز بی‌موضوعی خواهد شد . " وی باز هم بدرستی میفزاید که " همانطور که پراتیک نیز اگر راه خویشتن را با پرتو تئوری انقلابی روشن نسازد ، کور و نابینا میگردد . " (۳) هیچ کس را بجز " پراتیسین " که در تاریکی گام مینهد و فاقد دورنما و دوراندیشی است نباید به " اسپیریست کوتاه‌نظرانه " متصف داشت .

امروز من هنوز بشدت لزوم تحقیقات دقیقی را در امور چین و جهان احساس میکنم . این امر مربوط است به ناکافی بودن معرفت من به امور چین و جهان و از آن بر نیاید که من همه چیز میدانم و دیگران هیچ نمیدانند . آرزوی من است که به شاگردی خود همچنان ادامه دهم و همراه با تمام رفقای حزبی دیگر از توده‌ها بیاموزم .

### مؤخره

( ۱۹ آوریل ۱۹۴۱ )

تجربه دوران ده ساله جنگ داخلی برای دوران کنونی یعنی جنگ مقاوست ضد ژاپنی بهترین و مناسب‌ترین تجربه است . این تجربه متوجه

خط مشی تاکتیکی نیست ، بلکه مربوط به این امر است که چگونه خود را با توده‌ها پیوند دهیم و آنها را علیه دشمن بسیج کنیم . خط مشی تاکتیکی کنونی حزب در اساس خود با خط مشی تاکتیکی گذشته متفاوت است . سابقاً خط مشی تاکتیکی حزب عبارت بود از مبارزه با مالکان ارضی و بورژوازی ضد انقلابی ؛ اکنون این خط مشی عبارتست از اتحاد با آن مالکان ارضی یا آن عناصری از بورژوازی که با مقاومت در برابر ژاپن مخالف نیستند . حتی در مرحله آخر جنگ داخلی دهساله اشتباه‌آمیز بود که ما نسبت به دولت و حزب سیاسی ارتجاعی که ما را مورد حملات مسلحانه قرار میدادند از یکسو و نسبت به تمام قشرهای اجتماعی که دارای خصلت سرمایه‌داری بودند و در قلمرو اقتدار ما بسر میبردند از سوی دیگر سیاست متفاوت اعمال نمی‌کردیم . بهمین قسم نداشتن سیاست متفاوت نسبت به گروه‌های مختلف درون دولت و درون حزب سیاسی ارتجاعی اشتباه‌آمیز بود ، در آن زبان سیاست " مبارزه بتمهائی " که در مورد تمام بخش‌های جامعه بجز دهقانان و قشرهای پائین خرده بورژوازی شهری دنبال میشد سیاستی بدون شك نادرست بود . در مورد سیاست ارضی ، نفی سیاست صحیحی که در مرحله اول و مرحله وسط جنگ داخلی ده ساله اجرا میگردید نیز نادرست بود ، سیاستی که بر طبق آن مالکان ارضی قطعه زمینی برابر قطعه زمین دهقانان دریافت میداشتند ، تا بتوانند به کشت و زرع پردازند و نه آنکه به عناصر ولگرد تبدیل شوند یا مانند راهزنان بکوه بروند و نظم عمومی را مختل سازند ( ۴ ) . سیاست حزب اکنون ضرورتاً سیاست دیگری است ؛ این سیاست ، نه سیاست " مبارزه بتمهائی و اعراض از وحدت " است و نه سیاست " وحدت بتمهائی و اعراض از مبارزه " ( مانند چین‌دوسیویسم



در ۱۹۲۷) ، بلکه سیاست اتحاد با تمام قشرهای اجتماعی مخالف با امپریالیسم ژاپن است ، سیاست تشکیل جبهه متحد با آنها است و در عین حال سیاست مبارزه با آنها ؛ شکل این مبارزه برحسب درجات مختلف ناپایداری آنها یا خصمت ارتجاعی آنها که تظاهرش تسلیم در برابر دشمن و مقابله با حزب کمونیست و خلق است فرق میکند .

سیاست کنونی ، سیاستی دوگانه است که " وحدت " و " مبارزه " را باهم ترکیب میکند . این سیاست دوگانه در زمینه کار ، سیاست بهبود متناسب شرایط زندگی کارگران و عدم جلوگیری از رشد متناسب اقتصاد سرمایه داری است . این سیاست دوگانه در زمینه ارضی ، سیاست مطالبه تقلیل بهره مالکانه و نرخ سود از مالکان ارضی و مقرر داشتن این امر که دهقانان میزان تقلیل یافته بهره مالکانه و نرخ سود را پردازند . این سیاست دوگانه در زمینه حقوق سیاسی ، عبارت است از سیاست اعطاء همان حقوق فردی ، همان حقوق سیاسی و حق مالکیتی که کارگران و دهقانان از آنها برخوردارند به مالکان ارضی و سرمایه داران ضد ژاپنی و در عین حال جلوگیری از فعالیت ضد انقلابی احتمالی آنها . اقتصاد دولتی و اقتصاد کثوپراتیوی باید رشد کنند ، اما امروز بخش اقتصادی عمده در پایگاه های روستائی عبارت است از مؤسسات خصوصی و نه مؤسسات دولتی ؛ باید به بخش سرمایه داری غیرانحصاری امکان رشد داد و از آن علیه امپریالیسم ژاپن و سیستم نیمه فئودالی استفاده کرد . این انقلابی ترین سیاستی است که امروز در چین میتوان اتخاذ کرد و مبارزه با اجرای آن یا جلوگیری از اجرای آن بدون شك اشتباه است . حفظ پاکیزگی کمونیستی اعضای حزب بطور جدی و قاطع و حمایت از بخش مفید تولید سرمایه داری در اقتصاد اجتماعی و امکان دادن به آن که بطور

متناسب رشد کند ، اینست دو وظیفه ضروری ما در دوران مقاومت در برابر ژاپن و در دوران ساختمان جمهوری دموکراتیک . ممکن است در این دوران بورژوازی برخی از کمونیستها را به فساد و تباهی بکشاند ، ممکن است افکار سرمایه‌داری در صفوف اعضای حزب رخنه کند ، و ما باید با این افکار منحط در درون حزب مبارزه کنیم ؛ معذک ما نباید این اشتباه را مرتکب شویم که مبارزه با افکار سرمایه‌داری را در درون حزب به محیط اقتصاد اجتماعی منتقل نمائیم و با بخش سرمایه‌داری اقتصاد بمقابله برخیزیم . ما باید مرز روشنی میان این دو بکشیم . حزب کمونیست چین در محیط بغرنجی فعالیت میکند ، هر یک از اعضای حزب و بویژه هر یک از کادرها باید خود را آبدیده ببار آورد و به مبارزی تبدیل گردد که تاکتیک مارکسیستی را می‌فهمد . با برخورد یک طرفه به مسائل و ساده کردن آنها هرگز نمیتوان انقلاب را به پیروزی رهنمون گردید .

### یادداشتها

- ۱ - رهنمود ۷ ژوئیه ۱۹۴۰ کمیته مرکزی عبارتست از « قطعنامه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین درباره وضع حاضر و سیاست حزب » . رهنمود ۲۵ دسامبر ۱۹۴۰ کمیته مرکزی تحت عنوان « درباره سیاست » در « منتخب آثار مائو تسه دون » جلد دوم انتشار یافته‌است .
- ۲ - « سیوتسای » کسی بود که در امتحانات امپراطوری پائین‌ترین مقام را حائز می‌گردید . - مترجم
- ۳ - استالین : « درباره اصول لنینیسم » ، قسمت ۳ .
- ۴ - مرحله اول جنگ داخلی ده ساله از اواخر ۱۹۲۷ تا اواخر ۱۹۲۸ بطول انجامید و عموماً معروف به دوره کوهستان جین‌گان است ؛ مرحله وسط از

اوایل ۱۹۲۹ تا پائیز ۱۹۳۱ یعنی از زمان استقرار پایگاه سرخ مرکزی تا فرجام پیروزمندانه نبرد علیه سومین عملیات « محاصره و سرکوب » ادامه یافت ؛ مرحله آخر از اواخر ۱۹۳۱ تا اواخر ۱۹۳۴ طول کشید یعنی از فرجام پیروزمندانه این نبرد تا جلسه وسیع بوروی سیاسی در زون ای واقع در استان گوی جو که بدعوت کمیته مرکزی حزب تشکیل گردید . جلسه زون ای در ژانویه ۱۹۳۵ به سلطه خط مشی اپورتونیستی « چپ » در حزب که از ۱۹۳۱ تا ۱۹۳۴ دوام داشت خاتمه داد و حزب را به خط مشی صحیح باز گردانید .

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

# آموزش خود را از نو بسازیم

( مه ۱۹۴۱ )

بعقیده من باید اسلوب و سیستم آموزش را در سراسر حزب ما اصلاح کرد . بدلائل زیرین :

۱

حیات بیست ساله حزب کمونیست چین عبارت بوده است از بیست سال تلفیق حقیقت عام مارکسیسم - لنینیسم با عمل مشخص انقلاب چین ، تلفیقی روز بروز عمیق تر . کافی است یادآور شویم که شناخت ما از مارکسیسم - لنینیسم و انقلاب چین در سالهای کودکی حزب چقدر سطحی و کمبایه بود تا ملاحظه شود که امروز آشنائی مذکور چقدر عمیق تر و پرمغزتر شده است . در صد ساله اخیر بهترین فرزندان ملت

---

این اثر گزارش رفیق مائو تسه دون به جلسه ای از کادرها در پین ان میباشد . این گزارش و دو مقاله تحت عنوان « سبک کار حزبی را اصلاح کنیم » و « مبارزه علیه سبک الگوسازی در حزب » ، نوشته های اساسی رفیق مائو تسه دون درباره جنبش اصلاح سبک بشمار می آید . رفیق مائو تسه دون در این نوشته ها اختلاف نظرهایی را که پیش از آن درباره مشی حزب وجود داشت با بسط بیشتری از لحاظ ایدئولوژیک بررسی و ترازبندی میکند و ایدئولوژی و سبک کار خرده بورژوائی را که در زیر نقاب مارکسیسم - لنینیسم در حزب اشاعه بسیار یافته بود مورد تجزیه و تحلیل قرار میدهد . موضوع ایراد بطور عمده عبارت بود از گرایش های ذهنی و سکتاریستی

چین که دچار مصائبی سخت بود در پی حقیقتی که بتواند موجب رهایی کشور و خلق گردد مبارزه کردند و جان فدا ساختند و هر آنکه که راهروانی بر خاک افتادند دیگران قدم در راه نهادند ؛ حماسه آنها در خور اشک ما و سرود ماست . ولی فقط پس از نخستین جنگ جهانی و انقلاب اکتبر روسیه بود که ما به مارکسیسم - لنینیسم ، یعنی این حقیقت والا که برای نجات خلق ما بهترین سلاح است دسترسی پیدا کردیم . و حزب کمونیست چین مبتکر ، مبلغ و سازمان‌دهنده استعمال این سلاح بود . همینکه حقیقت عام مارکسیسم - لنینیسم با عمل مشخص انقلاب چین پیوند یافت وضع کاملاً تازه‌ای در انقلاب چین پدید آمد . حزب ما از آغاز جنگ مقاومت ضد ژاپنی ، با تکیه بر حقیقت عام مارکسیسم - لنینیسم ، در بررسی عمل مشخص جنگ مذکور و در بررسی چین و جهان معاصر قدمی بجلو برداشته است . بعلاوه ، اساس بررسی تاریخ چین نیز گذارده شده است . اینها نشانه‌های بسیار خوبی است .

۲

معذک ما هنوز تقایمی ، و حتی تقایم بسیار بزرگی داریم .

و شکل ظهور آنها یعنی سبک الگوسازی در حزب . رفیق مائو تسه دون دعوت میکند که جنبش آموزش مارکسیسم - لنینیسم و عبارت دیگر جنبش اصلاح سبک کار بر پایه اصول ایدئولوژیک مارکسیسم - لنینیسم در سراسر حزب برپا شود . دعوت رفیق مائو تسه دون بزودی مناظره عظیمی بین ایدئولوژی پرولتری و خرده بورژوازی در درون و برون حزب برانگیخت و این امر موجب تحکیم مواضع ایدئولوژیک پرولتری در درون و برون حزب گردید و سطح ایدئولوژیک توده وسیعی از کادرها را بسیار بالا برد و وحدت بیسابقه‌ای برای حزب تأمین کرد .

بعقیده من تا زمانی که برفع آنها نپرداخته‌ایم به کاسیابی‌های جدیدی در کار خویش نائل نخواهیم آمد و نخواهیم توانست امر خطیر تلفیق حقیقت عام مارکسیسم - لنینیسم با پراتیک مشخص انقلاب چین را پیشتر برانیم .

از بررسی اوضاع کنونی آغاز کنیم . هر چند که ما در بررسی اوضاع کنونی ، خواه داخلی و خواه بین‌المللی موفقیت‌هایی داشته‌ایم ولی برای حزب بزرگی مانند حزب ما مدارکی که ما راجع به زندگی داخلی و بین‌المللی در کلیه زمینه‌ها - سیاسی ، نظامی ، اقتصادی و فرهنگی - گرد آورده‌ایم بهیچ وجه همه جانبه نیست و کار پژوهشی ما هنوز با نظم و ترتیب انجام نمیگیرد . بطور کلی باید گفت که ما در عرض بیست سال گذشته برای گردآوری و بررسی مدارک در هیچیک از زمینه‌های نامبرده به کار واقعاً منظم و دقیقی دست نزده‌ایم . ما نسبت به تحقیق و بررسی واقعیت عینی رغبت کافی نشان ندادیم . هنوز بسیاری از رفقای حزبی سبک کار بسیار بدی دارند که بکلی با روح اصلی مارکسیسم - لنینیسم مباین است . آنها نظیر کسی هستند که "میخواهد با چشم بسته گنجشک بگیرد" و یا نظیر "کوری که در صدد شکار ماهی است" . آنها بکارها بطور سطحی برخورد نموده و بجزئیات دقت نمیکنند ، به سخن‌سرانی‌های پر ادعا دلخوش‌اند و به معلومات تکه پاره هضم نشده‌ای قانع‌اند . مارکس ، انگلس ، لنین و استالین بمانند ما می‌آموزند که باید اوضاع را بدقت مطالعه کرد ، واقعیت عینی را مبدا قرار داد و نه آرزوهای ذهنی خود را . معدک عده زیادی از رفقای ما درست در جهت مخالف این حقیقت عمل میکنند .

اینک به بررسی تاریخ بنگریم . عده خیلی از اعضاء و هواداران

حزب ما باین بررسی پرداخته‌اند، ولی پژوهش‌های آنان سازمان یافته نبوده است. تاریخ چین، خواه در صد سال اخیر و خواه در عهد باستان بر بسیاری از اعضاء حزب ما بکلی تاریک است. بسیاری از دانشمندان مارکسیست - لنینیست ما بهر مناسبتی به یونان باستان اشاره میکنند ولی متأسفانه باید بگوئیم که نیاگان خودمان را بکلی از یاد برده‌اند. ما هنوز نه رغبت کافی به بررسی دقیق اوضاع فعلی داریم و نه بتاريخ.

بالاخره پردازیم به آموزش تجربه انقلابی بین‌المللی، به آموزش حقیقت عام مارکسیسم - لنینیسم. بنظر میرسد که بسیاری از رفقا مارکسیسم - لنینیسم را نه برای نیازمندی‌های پراتیک انقلابی بلکه فقط برای نفس آموزش مطالعه میکنند. از اینجهت بهضم آنچه خوانده‌اند نائل نمی‌آیند. همینقدر میتوانند جملات و کلمات منفردی از آثار مارکس، انگلس، لنین و استالین بطرز یکجانبه اقتباس کنند ولی از اینکه مواضع، نظریات و اسلوب آنان را در بررسی شخص اوضاع کنونی و تاریخ چین بکار برند و مسائل انقلاب چین را بطور مشخص مورد تحلیل قرار دهند و آنها را حل کنند عاجزاند. چنین برخوردی با مارکسیسم - لنینیسم، بویژه در نزد کادرهای درجات متوسط و بالا بسیار زیانمند است.

سه نکته‌ای که قبلاً ذکر کردم - مسامحه در بررسی اوضاع کنونی، مسامحه در بررسی تاریخ، مسامحه در انطباق عملی مارکسیسم - لنینیسم - حاکی از اسلوب کار بسیار بدی است که شیوع یافته و بر بسیاری از رفقای ما تأثیری زیان‌بخش گذاشته است.

واقعیت اینست که امروزه در صفوف ما بسیاری از رفقا در اثر این سبک کار گمراه شده‌اند. از اینکه منظمأ و دقیقاً به تحقیق و بررسی اوضاع



مشخص در داخل و خارج کشور ، استان و شهرستان و محل خود پردازند سرباز میزنند و فقط بانكاه معلومات سطحی ویا استنباطات خود بصدور فرمان مبادرت میجویند . مگر این سبك ذهنی کار هنوز در نزد بسیاری از رفقای ما وجود ندارد ؟

تاریخ کشور خود را بهیچ وجه نمیدانند ویا خیلی کم میدانند و بجای آنکه از این جهالت شرم داشته باشند بآن میبالند . بدتر از همه اینکه تعداد بسیار اندکی از رفقای ما تاریخ حزب کمونیست چین و تاریخ چین در صد ساله اخیر از زمان جنگ تریاک را واقعاً بلداند . میتوان گفت که هیچ کس دقیقاً به بررسی تاریخ اقتصادی ، سیاسی ، نظامی و فرهنگی چین در صد ساله اخیر نپرداخته است . و بعضی ها چون از کشور خود ما بیخبراند چاره‌ای ندارند جز اینکه از داستانهای یونان قدیم و ممالک دیگر سخن بگویند ، ولی حتی در اینجا هم معلومات آنها بی ارزش است و بطور تصادفی از میان توده بهم ریخته کتابهای کهنه خارجی برداشته شده که همه در خور دور ریختن اند .

در دهساله‌های اخیر بسیاری از کسانی که در خارجه تحصیل کرده‌اند باین بیماری گرفتار آمده‌اند . آنها پس از آنکه از اروپا ، آمریکا ویا ژاپن باز میگردند جز تکرار آنچه طوطی وار در خارجه یاد گرفته‌اند بلد نیستند . آنها بصورت دستگامهای ضبط صوت در آمده و فراموش کرده‌اند که وظیفه‌شان در درك و آفرینش نو است . این بیماری به حزب کمونیست نیز سرایت کرده است .

ما مارکسیسم را مطالعه میکنیم ولی اسلوبی که بسیاری از رفقای ما ضمن آموزش بکار میبرند مستقیماً مخالف مارکسیسم است . عبارت دیگر آنها يك اصل اساسی را که مارکس ، انگلس ، لنین و استالین

مصرانه تأکید کرده‌اند نقض میکنند و آن عبارتست از : وحدت تئوری و عمل . آنها با نقض اصل مذکور اصل دیگری که ضد آنست اختراع کرده‌اند : اصل جدائی تئوری از عمل . در مدارس و همچنین در کلاس‌هایی که برای کادرهای مشغول بکار تشکیل میشود معلمان فلسفه شاگردها را بسوی مطالعه منطق انقلاب چین توجیه نمیکنند ؛ معلمان علوم اقتصادی شاگردان را بسوی مطالعه خصوصیات اقتصاد چین توجیه نمیکنند ؛ معلمان علوم سیاسی شاگردان را بسوی مطالعه تاکتیک انقلاب چین توجیه نمیکنند ؛ معلمان علوم نظامی شاگردان را بمطالعه استراتژی و تاکتیکی که مناسب شرایط ویژه چین باشد توجیه نمیکنند و غیره . بالنتیجه اشتباهات شیوع می‌یابد و زیان‌های بسیاری حاصل میشود . آنچه را که درین ان می‌آموزند نمیتوانند در فوسیان (۱) بکار برند . اگر معلم علوم اقتصادی نتواند توضیح بدهد که ارتباط بین بیان بی و قابی (۲) چیست مسلماً شاگرد او نیز نخواهد توانست . و این امر موجب پیدایش روحیه ناسالمی در نزد بسیاری از شاگردان شده است ؛ آنها بجای اینکه بمسائل مربوط به چین علاقه‌مند شوند و به رهنمودهای حزب اهمیتی بایسته بگذارند شیفته احکام منجمدی میگردند که گویا جاودانی‌اند و از معلمان بآنها آموخته شده‌اند .

البته اینها مثال‌هایی از منفی‌ترین پدیده‌ها در حزب است و سخن بر سر وضع عمومی نیست . ولی چنین مثال‌هایی واقعاً وجود دارد ، حتی خیلی زیاد است و هم اکنون زیان آنها بقدری است که نمیتوان بآنها بی‌اعتنا ماند .

برای اینکه درباره گفته‌های خود توضیح بیشتری داده باشم دو روش

متضاد را با هم مقایسه میکنم .

نخست روش ذهنی .

با چنین روشی ، اشخاص به بررسی منظم و دقیق واقعیت پیرامون خویش نمیپردازند ، در کار فقط به شور و شوق خویش اعتماد میورزند و از سیمای چین معاصر جز تصور مبهمی ندارند . با چنین روشی ، تاریخ را متوقف میسازند ، فقط یونان باستانی را می شناسند ولی چین را نمی شناسند . چین دیروز و پرروز برای آنها بکلی ناروشن است . با چنین روشی ، تئوری مارکسیستی - لنینیستی را بطور مجرد و بدون هدف معین مطالعه میکنند ؛ آن را نه بخاطر اینکه مواضع ، نظریات و اسلویی برای حل مسائل تئوریک و تاکتیک انقلاب چین در نزد مارکس ، انگلس ، لنین و استالین بیابند بلکه فقط بخاطر نفس تئوری مطالعه میکنند . بجای آنکه هدفی را نشانه بگیرند بهر سو تیر می اندازند . مارکس ، انگلس ، لنین و استالین بما می آموزند که باید واقعیت عینی را مبدا گرفت و قوانینی را از آن بیرون کشید که در عمل راهنمای ما خواهند بود . باین منظور - همانطور که مارکس میگوید - ضرورتاً باید مدارک را بدقت گرد آورد و مورد تجزیه علمی و بررسی ترکیبی قرار داد (۳) . بسیاری از رفقای ما کاملاً طور دیگر عمل میکنند . بعضی ها که بکار پژوهشی میپردازند نه به چین امروز و نه به چین دیروز علاقه نشان نمیدهند و همه توجهشان معطوف به مطالعه " تئوری های " بیمغز و جدا از واقعیت است . بعضی دیگر که به کار عملی مشغول اند نیز در مطالعه شرایط عینی مسامحه میورزند ، غالباً فقط بر شور و شوق خویش در کار اعتماد میکنند و احساسات شخصی خود را بر جای سیاست حزب مینشانند . این هر دو نوع اشخاص بشیوه ذهنی و بدون محاسبه واقعیت عینی عمل میکنند .

اگر کنفرانس میدهند پیوسته همان طرح نمره گذاری شده است : الف ، ب ، ج ، د ، و سپس ۱ ، ۲ ، ۳ ، ۴ ؛ اگر مقاله مینویسند سلسله‌ای از سخن‌پردازی‌های پرسدعاست . آنها حقیقت را در واقعیات نمی‌جویند ، بلکه جملات زیبایی را برای خوش آمد دیگران نثار میکنند . درخشان‌اند ولی جوهر ندارند ، شکننده‌اند ، نا استواراند . خود را مصون از هر خطا می‌پندارند ، خود را بزرگترین شخصیت این دنیا جلوه میدهند ، مانند " فرستادگان امپراطور " باینجا و آنجا ، به همه جا می‌شتابند . چنین است سبک کار برخی از رفقا در صفوف ما . انتخاب این سبک کار برای خود ، زیان رساندن بخود است ، برای تعلیم دیگران زیان رساندن بدیگران است ، برای رهبری انقلاب ، زیان رساندن به انقلاب است . خلاصه ، این اسلوب ذهنی و ضد علمی که متناقض با مارکسیسم - لنینیسم است دشمن بزرگ حزب کمونیست ، دشمن بزرگ طبقه کارگر ، خلق و ملت بشمار می‌آید و نشانه فقدان روح حزبی حقیقی است . وقتی که ما با چنین دشمنی طرفیم باید آنرا نابود سازیم . فقط آنکه که ذهن‌گرایی مغلوب شود حقیقت مارکسیسم - لنینیسم غلبه خواهد کرد ؛ روح حزبی نیرو خواهد گرفت و انقلاب پیروز خواهد شد . باید خاطر نشان ساخت که فقدان روش علمی ، یعنی روش مارکسیستی - لنینیستی که تئوری را با عمل پیوند میدهد ، بمعنای فقدان ویا نقصان روح حزبی است .

در اینجا دو بیت را که در وصف اینگونه اشخاص است ذکر میکنم :

نی رسته بر بالای دیوار ؛ گران سر ، ناتوان ساقه و نازک ریشه ؛

نہال خیزرانی بر کوهسار ؛ نوک تیز ، ستر پوست و میان

تمهی .

بمن بگوئید آیا این اشعار شما را بیاد کسانی نمی‌اندازد که بطریقه علمی عمل نمیکنند ، کار دیگری جز از برخواندن جملات و کلمات منفرد و مستخرج از آثار مارکس ، انگلس ، لینن و استالین بلد نیستند و بدون آنکه از دانش حقیقی برخوردار باشند شهرت غلط بدست آورده‌اند ؟ اگر کسی میخواهد حقیقتاً از این بیماری رهائی یابد ، من توصیه میکنم که این اشعار را یادداشت کند و یا اگر شهامت بیشتری داشته باشد ، آنها را بدیوار اطاق خود بیاویزد . مارکسیسم - لنینیسم علم است و علم شناختی است که جز با شیوه صدیقانه بدست نمی‌آید . با علم نمیتوان حيله بازی کرد . پس صدیق باشیم !

روش دیگر روش مارکسیستی - لنینیستی است .

کسانی که این روش را اختیار میکنند ، با بکار بردن تئوری و اسلوب مارکسیستی - لنینیستی به تحقیق و بررسی منظم و دقیق واقعیات پیرامون خویش میپردازند . در کار فقط به شور و شوق خویش اعتماد نمیکنند بلکه - همانطور که استالین میگوید - با تلفیق شور و شوق انقلابی با واقع بینی (۴) دست بعمل میزنند . با چنین روشی تاریخ را متوقف نمیسازند ، فقط به شناخت یونان باستانی اکتفا نمیورزند بلکه میکوشند که چین را هم بشناسند . نه فقط تاریخ نهضت انقلابی در ممالک خارجی بلکه تاریخ انقلاب چین را نیز میخواهند فرا بگیرند . نه فقط با چین امروز بلکه چین دیروز و پریروز نیز میخواهند آشنا شوند . کسی که این روش را برگزیند تئوری مارکسیستی - لنینیستی را با این هدف معین مطالعه میکند که آن را با واقعیت نهضت انقلابی چین پیوند دهد و مواضع ، نظریات و اسلوبی را در مارکسیسم - لنینیسم بیابد که

حل مسائل تئوریک و تاکتیک انقلاب چین را میسر گرداند . پس تیرهای خود را بسوی هدف معین پرتاب میکند . " هدف " در اینجا انقلاب چین است و " تیر " مارکسیسم - لنینیسم . ما کمونیست‌های چین همانا برای آن بجستجوی این " تیر " برخاستیم که به " هدف " یعنی به انقلاب چین ، انقلاب خاور اصابت کنیم . چنین روشی مبتنی بر جستجوی حقیقت از واقعیات است . " واقعیات " یعنی اشیاء و پدیده‌ها آنگونه که بطور عینی وجود دارند . " حقیقت " یعنی رابطه درونی این اشیاء و پدیده‌ها ، قوانینی که بر آنها حاکم است . " جستجو " یعنی بررسی و آموزش . ما باید اوضاع واقعی داخلی و خارجی کشور ، استان ، شهرستان و محل را مبداء قرار دهیم و برای رهبری اعمال خودمان قوانینی را که خاص اوضاع مذکور است و زائیده تخیل ما نیست استخراج کنیم یعنی رابطه درونی حوادثی را که در پیرامون ما میگذرد بیابیم . باین منظور باید نه بر تصورات ذهنی ، نه بر شور و شوق گذرا ، و نه بر کلمات بیروح کتب ، بلکه بر واقعیات ، همانطور که بطور عینی وجود دارند ، تکیه کنیم ، دقیقاً بجمع مدارک پردازیم و در پرتو اصول عمومی مارکسیسم - لنینیسم نتایج صحیحی از آن استخراج نمائیم . این نتیجه‌گیری‌ها فقط شمارش پدیده‌ها بترتیب الف ، ب ، ج ، د نخواهد بود ، نوشته‌های سرشار از مطالب کهنه و فرسوده و سخن‌پردازی‌های پر ادعا نخواهد بود بلکه نتیجه‌گیری‌های علمی خواهد بود . چنین روشی بمعنای جستجوی حقیقت از واقعیات است نه جمله‌پردازی زیبا بمنظور خوش آمد دیگران . چنین روشی چیز دیگری جز تجلی روح حزبی ، جز سبک کار مارکسیستی - لنینیستی که تئوری را با عمل پیوند میدهد نیست . این حداقلی است که از کمونیست خواسته میشود . کسی که این